

ماهنامه علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

میز گردی هست، جولانگاه ما / آفرین گویم بر این میزگرد

صاحب امتیاز: ابوالفضل قاسم‌زاده، شماره مجوز: ۹۷۲۲۷۷، بهمن‌ماه ۱۳۹۷



جنگ تمام‌عیار



تحریم داخلی، تحریم خارجی!

همه چیز از اینجا شروع شد!

کلاه گشاد FATF، بعد از کلاه گشاد برجام



به صورت روبه‌رو و رودررو با مردم حرف
بزنید؛ مسائل را به مردم بگویید؛ بگویید
که دشمن می‌خواهد از رخنه‌ی اقتصادی
استفاده کند؛ این را صریح به مردم
بگویید. بگویید البته که ما مشکلات
اقتصادی‌ای داریم، دشمن می‌خواهد از
این استفاده کند، ما نخواهیم گذاشت و
به کمک شما احتیاج داریم ... بروید با
کارگر تماس بگیرید؛ بروید پای کوره؛
بروید محصول را تماشا کنید؛ بروید
انبارها را ببینید؛ بروید با مجموع
کارگرها حرف بزنید؛ وارد کار بشوید؛
این اگر شد، مردم می‌بینند بله؛ دارد کار
انجام می‌گیرد.

جنگ تمام عیار

ابوالفضل قاسم‌زاده

کارشناسی مکانیک ۹۳

شناسنامه

نام نشریه: ماهنامه میزگرد

شماره مجوز: ۹۷۲۲۷۷

علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی

شماره اول، بهمن‌ماه ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: ابوالفضل قاسم‌زاده

مدیر مسئول: ابوالفضل قاسم‌زاده

سرمدبیر: محمدرضا حیدری

طراح لوگو: وحید کیخا مقدم

طراح و ویراستار: ابوالفضل قاسم‌زاده

هیئت تحریریه: محمدرضا محمودی،

ابوالفضل قاسم‌زاده، محمدرضا حیدری،

علی غفاری، مهدی لطیفی

ارتباط با ما:

@AlhanTelavat در تلگرام

@Abolfazi75 در پیام‌رسان ایتا

میزی گرد برای گفتگو

اولین جرقه ایجاد نشریه ای برای بررسی نظرات اساتید و دانشجویان در زمینه علمی - اقتصادی در ذهن بنده، برمی‌گردد به تابستان امسال که با تمام وجود درک کردم که کشورم درگیر یک بحران اقتصادی شده است و بخشی از بار جهاد در این جنگ تمام عیار بر دوش جامعه دانشگاهی است. چه در ارائه راهکار و الگوی اقتصادی درست برای این مزر و بوم و چه در ایجاد فرهنگ‌سازی لازم برای جنگیدن صحیح در بین مردم. زیرا خیلی‌ها چشم‌شان در این شرایط به قشر تحصیل‌کرده جامعه است؛ چه در تحلیل‌های برآمده از فکر و اندیشه این قشر و چه در چگونگی برخورد و رفتار و چگونگی نسخه‌پیچی جهت پشت سر گذاشتن این بحران در این برهه از زمان!

از آنجا که توقع می‌رود در جامعه دانشگاهی به صورت علمی این مسائل بررسی شود، و لازم است دیدگاه اساتید و دانشجویان در این زمینه جمع‌آوری و در بسترهای مناسب و گوناگون ارائه گردد، این نشریه را با این نام بنا نهادم و ان شاءالله سعی می‌کنم شماره به شماره آن را تقویت کنم تا فراگیری و تأثیرگذاری بیشتری داشته‌باشد.

از تمامی صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به این حوزه تقاضا می‌کنم با انتقادات و پیشنهادها سازنده خود، مجموعه عوامل «میز گرد» را در بهبود کیفیت نشریه یاری نمایند.

دانشجو در هر دوره، مؤذن جامعه اسلامی محسوب می‌شود. یعنی باید جزو جلوداران حرکت جامعه، پشت سر امام امت باشد و دیگران را نیز به این قافله برساند. بدین منظور، باید بصیرتش، تفکرش و همچنین امیدش بیش از دیگران باشد تا بتواند بر اساس نیاز جامعه و محاسبات درست، مسائل، چالش‌ها و نیز راه‌حل‌ها را به‌موقع تشخیص دهد و با توجه به خواسته ولی جامعه اسلامی، طراحی عملیات کند و جهت ارائه باز هم به‌موقع این طرح به اقشار مختلف مردم این جامعه، برای آنان نقش تعریف نماید و ملزومات انجام تکلیف در این نقش‌ها را به آنها برساند. پس باید در این مسیر، همواره گوش و چشمش به طرف پیش‌قراول این جریان که آن را رهبری می‌کند، باشد و بتواند انتظار او را از خود و مردم به‌درستی دریابد و برای رساندن «برنامه نقش‌آفرینی همگانی جهت پیشرفت حقیقی» به مردم، از همه امکانات مجاز در دسترس، استفاده و با تمام وجود، جهاد نماید.

اما در این برهه از انقلاب اسلامی که مصادف شده‌است با یک پیچ تاریخی بی‌نظیر، جنگی به ایران اسلامی تحمیل شده‌است که اگر می‌خواهیم به دوران اصلی شکوفایی این انقلاب برسیم، باید در آن بر دشمن غلبه کنیم و این مرحله نهایی منتهی به آغازی خوش را با سلامت پشت سر بگذاریم. بیش از این اطلاع کلام نمی‌کنم و ترجیح می‌دهم سخنانی از رهبر فرزانه انقلاب را جهت بیشتر روشن شدن مطلب و بهتر درک کردن وظیفه دانشجویی در این دوران، بیاورم.

«امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، جنگ اقتصادی است. اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه‌داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی‌شان است؛ آنجا اتاق جنگ با ما است. خب راه مقابله‌ی با جنگ اقتصادی چیست؟ این است که ما در داخل به اقتصاد خودمان بپردازیم. وقتی اقتصاد ما متکی بود، وابسته بود، مشکلات به وجود می‌آید. البته بنده عقیده ندارم به اینکه رابطه‌ی اقتصادی را از دنیا باید قطع کرد یا میتوان قطع کرد؛ معلوم است که نمی‌توان. امروز همه‌ی دنیا به هم مربوط و متصل است؛ اما تکیه‌ی به بیرون از مرزها غلط اندر غلط است؛ نباید تکیه کرد. بله، بروند با زرنگی، با تدبیر، با سیاست‌گذاری درست، با پیگیری صحیح، با جدیت، ارتباطات با دنیا برقرار کنند. دنیا بزرگ است؛ دنیا که فقط آمریکا و چند کشور اروپایی نیست؛ دنیا خیلی وسیع است. بروند ارتباطات را برقرار کنند به آن مقداری که لازم هست؛ اما چشم ندوزند به هیچ نیروی خارجی؛ چشم بدوزند به عنصر داخلی؛ چشم بدوزند به این ارزش بزرگ؛ نیروی انسانی داخل. وقتی مردم ببینند که ما مسئولین اصرار داریم بر اینکه مشکلاتمان را در داخل حل کنیم و از ظرفیت‌های داخلی استفاده کنیم، ولو یک سختی‌ای هم برایشان پیش بیاید، تحمل می‌کنند، کم‌کم می‌کنند.

یکی از موانع آپروری در این جنگ، باورنداشتن بعضی از مسئولین ما به همین ظرفیت‌ها است؛ یا باور ندارند و یا به اینها اهمیت نمی‌دهند. وجود این همه جوان در کشور، یک ظرفیت مهمی است؛ بعضی از مسئولین ما، در طول زمان‌ها، به این اهمیت نمی‌دادند؛ بعضی‌ها این را باور نداشتند؛ این را که «از دست این جوانها کار برمی‌آید»، بعضی‌ها قبول نداشتند. آن روزی که صنعت هسته‌ای کشور شروع به فعالیت کرد و به آن اوجی که همه می‌دانید رسید، بعضی‌ها بودند - حتی بعضی از دانشمندان ما، بعضی از نسلهای قدیمی ما - که به ما می‌گفتند: «آقا نکنید؛ فایده‌ای ندارد؛ نمی‌شود؛ نمی‌توانید!» بعضی‌ها به خود من نامه می‌نوشتند و می‌گفتند نمی‌توانید. چرا؟ چون آن کسانی که دست‌اندرکار بودند، همه تقریباً جوان بودند؛ اکثر آنها در سنین حدود سی سال و کمتر از سی سال بودند؛ اینها توانستند. همان کسانی که منکر بودند، بعداً اعتراف کردند که «بله، اینها واقعا توانستند این کار را انجام بدهند». امروز در صنایع مختلف، در نانو تکنولوژی، در صنایع گوناگون، در صنایع برتر - به قول فرنگی‌مآب‌ها «های‌تک» - کشور، عمده جوان‌ها هستند؛ مشغول کارند؛ دارند تلاش می‌کنند و می‌توانند. جوان‌های ما قادر به خیلی از کارهای بزرگ هستند. بعضی از مسئولین ما در طول زمان، این امکان را باور نداشتند یا به آن اهمیت نمی‌دادند.

به نظر من مهم‌ترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است؛ یعنی همین که افکار عمومی نمی‌دانند چقدر ثروت در اختیار کشور هست. بعضی از مسئولین ما هم متأسفانه نمی‌دانند چقدر ثروت - ثروت انسانی و ثروت طبیعی - در اختیار کشور هست؛ دشمن هم از همین دارد استفاده می‌کند. دشمن می‌خواهد بگوید که شما نمی‌توانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما میتوانیم، ما دارا هستیم و امکاناتمان فراوان است. مسئولین ما باید به قدرت جوانان و به توانایی جوانان ایمان بیاورند و اهمیت بدهند؛ جوانان ما هم باید از کار خسته نشوند؛ از ابتکار خسته نشوند؛ از بعضی از قدرشناسی‌ها دل‌سرد نشوند. بعضی جوان‌ها به ما شکایت می‌کنند که «ما این کار را کردیم یا می‌توانستیم بکنیم یا می‌توانیم بکنیم؛ [اما] به ما اعتنائی نمی‌شود»؛ خیلی خب، دل‌سرد نباید بشوند؛ باید دنبال کنند کار را، ابتکار را. مسئول هم وظیفه دارد؛ خود جوان هم وظیفه دارد.

شرایط خب شرایط خطیری است. مشکلاتی وجود دارد؛ همچنانی که در گذشته، در سال‌های پیش، مشکلاتی در کشور پیش آمده؛ مشکلات مهمی هم بوده‌است. در مواردی از آنچه که امروز ما با آن مواجه هستیم، مهم‌تر هم بوده؛ ما در دهه‌ی شصت به وضعیتی رسیدیم که درآمد کشور در طول سال حدود هفت میلیارد دلار بود؛ جنگ

معرفی کتاب

کتاب «تجربه اقتصاد مقاومتی در جهان»، یکی از اثرات جدید تألیف شده در رابطه با اقتصاد مقاومتی است. هدف اصلی این کتاب، گفتمان سازی و تولید و ترویج ادبیات پیرامون «اقتصاد مقاومتی» است. در این کتاب همچنین تلاش شده برای آنکه اقتصاد مقاومتی در سطح حرف باقی نماند و به تغییر رفتار منجر شود، با مباحث و مثال‌های مختلف نشان داده شود که این موضوع چه اندازه در حفظ و افزایش منافع همه افراد جامعه نقش دارد.

نویسندگان این کتاب با بیان اینکه گفتمان سازی بدون آسیب شناسی و انتقاد از وضع موجود قابل تحقق نیست و برای انجام آن باید صادق، منصف و شجاع بود، تلاش کرده‌اند تا با به کارگیری رویکرد انتقادی به فعالیت‌های جاری، دریچه‌هایی برای اقدام عملی در حوزه اقتصاد مقاومتی فراهم کنند.

آگاهی و شناخت تجربه اقتصاد مقاومتی در دیگر کشورها (به ویژه آلمان و ژاپن)، روشن کردن ابعاد و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی و نشان دادن تفاوت و شباهت‌های آن با سایر مکاتب اقتصادی، تجزیه و تحلیل نسبت مفاهیم و متغیرهای بسیار مهم مانند مفهوم «عدالت» و متغیر «نفت» با اقتصاد مقاومتی، ارائه تجربیات فعالان و پیشتازان اقتصاد مقاومتی در ایران و ارائه راهکارهای پیشنهادی برای تقویت اقتصاد مقاومتی به‌ویژه در حوزه فرهنگ از دیگر اهداف این کتاب است؛ بنابراین در سراسر این کتاب به نقش و جایگاه سیاستگذاران و رسالت اهالی حوزه فرهنگ برای زمینه‌سازی تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است.

«تاریخچه اقتصاد مقاومتی در جهان ایران»، «مبانی نظری اقتصاد مقاومتی»، «اقتصاد مقاومتی در ایران» و «نتیجه‌گیری و پیشنهادها» چهار فصل این کتاب است که در ۴۲۰ صفحه توسط نظام بهرامی کمیل، احسان فدایی و مجتبی راعی تدوین شده است.

کتاب «تجربه اقتصاد مقاومتی در جهان و ایران» توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.



صاحب‌فکر اند، اینها را گفته‌اند؛ پس راه‌حل وجود دارد. اینکه دشمن و به تبع دشمن یک عده آدم پست داخلی در فلان مطبوعه، در فلان سایت اینترنتی این جور تبلیغ کنند که «کشور دیگر به بن‌بست رسید؛ هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه پناه ببریم به فلان شیطان یا فلان شیطان اکبر»، این دیگر خیانت است؛ نخیر؛ راه حل وجود دارد؛ این راه‌حل‌ها هست؛ در اختیار مسئولین است؛ می‌توانند اجرا کنند. گفتم بعضی از اینها را هم شروع کرده‌اند؛ منتها باید جدی‌تر شروع کنند. بنده حالا به شما دارم می‌گویم و به اصطلاح در معرض عام دارم می‌گویم؛ لکن در جلسات خصوصی به رؤسای محترم کشور و مسئولین کشور بارها و بارها همین را گفته‌ایم؛ آنها هم می‌روند دنبال می‌کنند و بالاخره به‌قدر توان حرکت می‌کنند. بایستی همکاران و فعالان خوبی را انتخاب بکنند؛ همین جوان‌های مؤمن را. ما نیرو کم نداریم؛ ما نیروی مستعد آماده‌به‌کار کمربسته‌ی با انگیزه‌ی باعرضه کم نداریم. همین تازه، حدود پنج هزار نفر دانشگاهی به بنده نامه نوشتند و امضا کردند؛ من نامه را البته ندیدم؛ خبرش را برای من آوردند؛ می‌گویند ما در خدمت انقلابیم؛ در خدمت شما هستیم؛ آماده‌ایم؛ آماده‌اند. الحمدلله کشور غنی است از لحاظ نیروی انسانی. خوب از اینها استفاده بشود؛ از اینها کمک خواسته بشود؛ ان‌شاءالله کارها انجام می‌گیرد.

اقتصاد نفتی - یعنی تکیه‌ی اصلی به فروش نفت خام - یکی از عیوب اساسی اقتصاد ما است. آن حرفی را که بنده بیست سال قبل گفتم و بعضی از مسئولین دولت‌های آن روز با ننگه کردن چه چوری! یک لب‌خندی زدند و از آن عبور کردند که گفتم ما بایستی به جایی برسیم که هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاه‌های نفتمان را ببندیم، بگوییم آقا، ما می‌خواهیم سه ماه نفت صادر نکنیم و این در اختیار ما باشد ای کاش می‌توانستیم؛ و این ممکن است؛ این را بعید نباید دانست. حالا گفته می‌شود که مشتری‌ها از دست می‌روند و مانند این حرف‌ها؛ نه، راه‌هایی برای همه‌ی اینها وجود دارد. ما اسیر نفت نباشیم؛ امروز ما اسیر نفتیم؛ ما توی مشت نفتیم. نفت هم دست ما نیست. تولیدش دست ما است؛ [اما] قیمت‌گذاری‌اش دست دیگران است؛ امکان فروشش دست دیگران است، تحریمش به دست دیگران است. ما در واقع اسیر نفتیم؛ [ولی] نفت باید اسیر ما باشد؛ نفت باید در اختیار ما باشد؛ این یک سیاست قطعی است. نفت یک سرمایه‌ی ملی است. البته سال‌های طولانی‌ای خواهد گذشت تا این سرمایه تمام بشود؛ اما خوب تمام خواهد شد. ما عادت کرده‌ایم که نفت را یعنی این ذخیره‌ی ملی را از زیر زمین می‌آوریم بیرون و بدون هیچ ارزش افزوده‌ای می‌فروشیم. خوب اقلًا کار کنیم و ارزش افزوده برایش درست کنیم؛ هم نفت را، هم گاز را - حالا ابرای گاز یک مقداری ارزش افزوده در پتروشیمی و مانند اینها درست می‌شود؛ اما نفت همین جور دارد می‌رود - بایستی وابستگی را روز به روز به نفت کم کنیم.

نکته‌ی بعدی این است که اقتصاد دانش‌بنیان را اهمیت بدیم. رشد شتابان اقتصاد به‌وسیله‌ی اقتصاد دانش‌بنیان [ممکن] خواهد شد.

هم داشتیم. خوب البته جمعیت کشور کمتر بود؛ شرایط گوناگونی هم وجود داشت؛ اینها را می‌دانیم. اما بالاخره مسئله‌ی کوچکی نبود این. خوب، با یک روحیه‌ی قوی، روحیه‌ی انقلابی همه همکاری کردند، اقدام کردند و به نتایجی رسیدیم، یعنی بنابراین عبور از مشکل چیز مهمی نیست؛ در گذشته ما بارها این را تجربه کردیم. اینی هم که بنده می‌گویم شرایط کشور شرایط خطیری است، خطیر به معنای بن‌بست و بحران نیست؛ این جور نیست که شرایط کشور بحرانی باشد. حالا من می‌شنوم گاهی کلمه‌ی بحران را از بعضی از تعبیرات، غلط است؛ کاملاً غلط است. نخیر، نه بحرانی است، نه ان‌شاءالله بحرانی خواهد بود. بن‌بست نیست، بن‌بست هم نخواهد بود؛ ولی خوب مشکلاتی هست؛ باید از مشکلات عبور کرد. بدیهی است که در شرایط سخت مجاهدت در راه وظیفه و در راه خدا ثواب مضاعفی هم دارد و هدایت الهی هم وعده داده شده است. «وَأَلَدِّينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا». یعنی شما وقتی مجاهدت کردید، تلاش کردید، خدای متعال هدایت می‌کند؛ راه درست را به شما نشان می‌دهد.

حرف من این است؛ من می‌گویم در کشور هیچ بن‌بستی وجود ندارد. در همین زمینه‌ی اقتصادی، هیچ بن‌بستی وجود ندارد. این جور نیست که راه‌حل نباشد؛ نخیر؛ مشکلات کشور، مشکلات اقتصاد، شناخته‌شده است؛ راه‌حل‌ها هم شناخته‌شده است. کننده‌ها باید ان‌شاءالله همت کنند، دامن همت به کمر بزنند؛ که خوب شروع کرده‌اند - کارهایی شده که من حالا در ادامه‌ی صحبت، بیشتر عرض خواهم کرد - انسان می‌بیند. بنده خودم که اینجا نشسته‌ام، مرتب از طرف جوان‌های مؤمن، انقلابی، علاقه‌مند، خوش فکر، بابتکار، پیشنهاد و نامه و حرف و مانند اینها به من می‌رسد که من هم می‌فرستم برای دستگاه‌های اجرائی که از آنها استفاده کنند؛ اینها چیزهایی است که برای من می‌آید. اخیراً دیدم حدود چهل کارشناس اقتصادی که بعضی‌هایشان صاحب‌نام هم هستند و بعضی‌ها را ما می‌شناسیم، به رئیس‌جمهور نامه نوشته‌اند؛ مشکلات اقتصادی کشور را فهرست کرده‌اند، راه‌حل‌ها را هم فهرست کرده‌اند. من با دقت خواندم نامه را، دیدم درست است؛ دیدم نامه را از روی دلسوزی نوشته‌اند. کسانی هم هستند که با دولت و دستگاه و رئیس‌جمهور محترم و مانند اینها مخالفی ندارند؛ اینها جزو همین جریانی هستند که امروز در دستگاه‌های اجرائی حضور کاملی دارند؛ اما در عین حال اشکالات ساختاری اقتصاد و اشکالات موجود و بالفعل حرکت اقتصادی کشور را خوب تشخیص داده‌اند؛ برداشته‌اند نوشته‌اند؛ بیست راه‌حل هم نوشته‌اند. بنده نگاه که کردم - آن طور که در ذهنم می‌آید - به نظر تقریباً همه‌ی راه‌حل‌هایشان درست است؛ اینها همان چیزهایی است که چند سال است ما در شعارهای سال همین‌ها را تکرار کرده‌ایم؛ در سیاست‌های کلی که ابلاغ می‌شود به سه قوه، اغلب اینها - حالا نمی‌گویم [همه] - چیزهایی است که ما گفته‌ایم؛ حالا این اقتصاددان‌هایی که مستقل‌اند، صاحب‌نظر اند،

یک مشاور خوب



جمعیت به عنوان جامعه‌ای بزرگ که چشمان اروپایی‌ها به آن‌هاست و ظرفیت بزرگی برای مصرف کالاهای داخلی هستند خود ظرفیت قابل توجهی برای گردش مالی اقتصاد ایران است، اگر دولت خود را به معنای کلمه از اقتصاد بیرون بکشد و بگذارد شریان‌های اقتصادی باز شود، مردم به خوبی این اقتصاد تحریم شده را مدیریت خواهند کرد. دولت نباید بگذارد فعالان اقتصادی همچون ۶ سال گذشته در حالت انتظار بی نتیجه به سر ببرند. انتظارات سم مهلکی برای حرکت نکردن فعالان اقتصادی است.

همه می‌دانیم که تحقق اقتصاد مقاومتی، نیاز به بسترسازی دارد. یکی از بسترهای لازم برای آن، حس کردن وضعیت موجود اقتصاد و به کارگیری ایده‌ها و پیشنهادات برای رسیدن به وضعیت مطلوب است. از طرف دیگر، متأسفانه دولت و ملت هنوز احساس نکرده‌اند که اقتصاد ایران در جنگ اقتصادی به سر می‌برند و نیاز به انقلاب در تولید، توزیع و مصرف دارد. نه تولید کننده، این حس را دارد، نه توزیع کننده و نه مصرف کننده. نشانه‌های آن، امتداد رفتارهای گذشته اکثر تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان است. تولیدکننده، کیفیت کالای خود را تقویت نکرده است، توزیع کننده، محصول خوب با قیمت مناسب عرضه نمی‌کند، مصرف کننده، کالای ایرانی نمی‌خرد و دولت هم نگاهش به خارج از مرزها بوده و نقش خود را در جهت دادن منابع به سمت تقویت تولید ایفا نکرده و وظیفه هدایت‌کنندگی و نظارت خود را به خوبی انجام نمی‌دهد. محصول این رفتارها افزایش واردات و قاچاق کالاها شده‌است که کشور را از مقاومت کردن اقتصاد دور کرده و رکود اقتصادی را تشدید کرده است. برای ایجاد این حس، نیاز به بسترسازی برای مشاهدات حضوری و تجربی دارد.

تورهای اقتصاد مقاومتی هدفمند، یکی از الزامات تحریک احساسات و عواطف است که به نظر می‌رسد به عنوان یک راه عملی فراگیر می‌توان نسبت به برگزاری آن اقدام کرده و مردم نیز برای مشارکت در این تورها رغبت و انگیزه دارند. تورهای اقتصادی، تورهایی جذاب هستند که بین تولیدکننده، توزیع کننده و مصرف کننده می‌تواند ارتباط برقرار کند.

استفاده دولت و مردم از فرصت‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی، شاه‌کلید حل مشکلات اقتصاد ایران و مقاوم‌سازی آن در مقابله با تکانه‌های ناشی از تحریم‌های شدید اقتصادی است. اگر دولت‌مردان کشوری نتوانند آن توانمندی‌ها را شناسایی و احیا کنند، همان بلایی بر سرشان خواهد آمد که نتیجه آن، حاکم کردن رکود اقتصادی به واسطه حاکم کردن برجام بی‌فراجم خواهد بود.

اقتصادی که به جای بها دادن به توانمندی‌های فیزیکی و سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و مراکز آموزشی و پژوهشی خود، چشمش به آن طرف آب بوده و متکی بر واردات بی‌رویه و بدون اولویت کالاها و خدمات است؛ اقتصادی که به جای بهره‌گیری از این توانمندی‌ها و بر طرف کردن بروکراسی شدید اداری و فساد اداری و اقتصادی درون سیستمی به فکر مذاکرات نافرجام است؛ اقتصادی که به جای اصلاح نظام بانکی خود و همراه کردن آن با بخش مولد اقتصاد، فضای رباخواری را بر جامعه حاکم کرده؛ اقتصادی که به جای فرهنگ تولید و ارتقای آن، فرهنگ دلالی و واسطه‌گری را ترویج می‌کند؛ اقتصادی که دارای مدیریت واحد اقتصادی نبوده و هر نهادی دچار جنون تغذیه از منابع نفتی آن شده است، هنگامی که مواجه با عهدشکنی دشمنانی همچون آمریکا و اروپا می‌شود، هنوز عبرت نگرفته و باز به دنبال پابرجا ماندن برجام بی‌فراجم است و آن‌ها نیز خوب فهمیده‌اند که با چه تفکری و چه شرایطی روبه‌رو هستند؛ بنابراین هر روز تحریم‌های خود را بیشتر و بیشتر خواهند کرد.

با این وجود تاریخ اقتصادی ایران نشان داده است در اوج سختی‌ها و تحریم‌ها استعداد ملت و دولت شکوفا شده و مسیر تعالی اقتصادی باز شده‌است و به تصریح آیه شریفه «ان مع العسر یسر» خود را به ملت ایران نشان داده است. دستاوردهای نانو، دستاوردهای دفاعی، دستاوردهای پزشکی و دارویی، ... همه حاصل از حس تحریم‌ها در دوران گذشته بوده‌است. حال که در آستانه تحریم‌های شدیدتر هستیم، اگر عاقلانه و مدبرانه به اصلاح ساختارهای اقتصادی ایران، همت گماریم و بتوانیم از ظرفیت‌های داخلی و خارجی با توجه به استعدادها و توانمندی‌های داخلی و دیپلماسی اقتصادی با کشورهایی غیر از کشورهای استعمارگر، بهره بگیریم با یک راهبرد تهاجمی، مسیر اقتصاد را همچون باز کردن معابر در جبهه‌های جنگ باز خواهیم کرد. امروز بزرگ‌ترین سرمایه اقتصاد ایران، سرمایه انسانی است. سرمایه‌ای جوان که اگر به آن بها داده شود و برای آن ارزش‌گذاری کنند، مسیر رشد و شکوفایی را باز خواهد کرد. اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد گردشگری متکی بر استعدادها و توانمندی‌های این نسل قابل تحقق و جایگزین درآمدهای نفتی است. هشتاد میلیون

دکتر وحید ارشدی، متولد سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در اصفهان است. وی همچنین فارغ التحصیل رشته علوم اقتصادی در مقطع کارشناسی ارشد و رشته دکتری اقتصاد اسلامی- اقتصاد انرژی در مقطع دکتری از دانشگاه فردوسی است. همچنین دارای سابقه آموزشی و تدریس بیش از ۱۳ ساله در دانشگاه‌های شهید اشرفی اصفهانی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه امام رضا (ع)، دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور، دانشگاه عطار نیشابوری، دانشگاه المهدی (ع)، دانشگاه فیض الاسلام و ... در رشته‌های مختلف مرتبط با دانش اقتصاد از جمله اقتصاد پول و بانکداری، اقتصاد توسعه، اقتصاد کلان، نظام‌های اقتصادی، اقتصاد صدر اسلام و ... می‌باشد.

دکتر ارشدی دارای سوابق پژوهشی بسیار زیادی در زمینه مباحث مختلف مرتبط با علم اقتصاد است. همچنین تألیفاتی نیز در این حوزه دارد. و نیز دارای سوابق اجرایی بالایی در نهادهای مختلف است؛ از جمله مشاور کمیسیون اقتصادی شورای اسلامی شهر اصفهان، مدیر کل امور فرهنگی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، کارشناس روابط عمومی صدا و سیما استان خراسان رضوی، کارشناس دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مشاور معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، عضو انجمن اقتصاد اسلامی ایران، مشاور و دبیر کارگروه زیارت و گردشگری مدیریت مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، عضو هیئت مؤسس مرکز علمی تحقیقاتی حیات طیبه اصفهان و ...

مدتی پیش از ایشان تقاضا کردیم که به عنوان مشاور نشریه در خدمت ایشان باشیم. با بزرگواری قبول زحمت کردند. البته به دلیل مشغله‌های فراوانی که دارند، به شدت وقت کمی دارند؛ اما سعی خواهیم کرد در شماره‌های بعد، از وجود ایشان و همچنین نقطه‌نظرات و راهنمایی‌های ارزشمندشان استفاده کنیم و نشریه پربارتری را که بعضاً به ارائه مباحث تخصصی‌تر می‌پردازند، برای مخاطب به ارمغان بیاوریم.

هم‌اکنون ایشان عضو هیئت علمی پژوهشکده اقتصاد اسلامی دانشگاه فردوسی هستند و دارای روابط خوبی با اساتید فعال در این زمینه در دانشگاه‌های مختلف کشور می‌باشند.

در این شماره، متنی از ایشان را که در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ در روزنامه قدس با عنوان «راهکارهایی برای مقابله با تحریم‌ها» چاپ شده‌است، می‌آوریم و ان شاءالله در شماره‌های بعدی این نشریه، مصاحبه‌هایی از ایشان و همچنین سایر اساتید و فعالان اقتصادی به خوانندگان عزیز این نشریه، ارائه خواهیم نمود.

همه چیز از این جا شروع شد...!



است که برای انتقال پول بین ذی‌نفعانی که الزامات دوطرفه را تقبل کرده‌اند، ایجاد شده‌است. هر بانکی که بخواهد عملیات بانکی دلاری انجام دهد، باید از بانک مرکزی آمریکا مجوز بگیرد و ذیل نظام پرداخت دلار عمل کند. بانک‌هایی که فاقد مجوز از بانک مرکزی آمریکا هستند نیز برای انجام عملیات بانکی دلاری نزد یک بانک دارای مجوز، حساب دلاری افتتاح می‌کنند.

بنابراین ایالات متحده می‌تواند با تصویب قوانین یکجانبه، بانک‌های ذیل نظام پرداخت دلار را وادار به محدود کردن نقل و انتقالات دلاری کشورهای مخالف آمریکا و حتی مسدود کردن دارایی‌های دلاری این کشورها کند. در غیر این صورت، این بانک‌ها با خطر جریمه مالی و حتی لغو مجوز فعالیت مواجه خواهند شد. بدین ترتیب، کشوری که نتواند با استفاده از یک پول بین‌المللی و مورد قبول همگان تجارت کند، به‌نوعی تحریم اقتصادی شده‌است. ایالات متحده با ایفای نقش محوری در شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و گات (سازمان جهانی تجارت)، باعث گردید که رشد و توسعه تجارت بین‌المللی طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم شکلی نمایی به خود بگیرد. واضح است که رشد چشمگیر تجارت جهانی باعث افزایش شدید تقاضای مبادلاتی برای یک واحد پول بین‌المللی می‌گردد. فلذا از بعد از جنگ جهانی دوم، تقاضای دلار به عنوان یک ارز جهانی رو به فزونی گذاشت. به همین دلیل، این امکان برای آمریکا فراهم شد تا برای پاسخگویی به تقاضای مبادلاتی روزافزون به پول بین‌المللی، دست به خلق اعتبار و انتشار واحد پول خود بزند.

به زبان ساده، تقاضای مبادلاتی پول را می‌توان در قالب مثال زیر توضیح داد: فرض کنید دو کشور هند و چین می‌خواهند با هم تجارت کنند. روپیه هند برای تاجر چینی و یوان چین برای تاجر هندی قابل پذیرش نیست. بنابراین، دو تاجر به یک پول مورد توافق برای تجارت نیاز دارند. در کنفرانس برتون وودز این توافق در مورد دلار آمریکا صورت گرفت. اما این کشور، دلار مورد نیاز تجار را رایگان در اختیار آنان قرار نمی‌دهد. دو کشور برای دسترسی به دلار، باید کالا به آمریکا صادر کنند تا دلار بدست آورند و سپس با دلار بدست آمده، با یکدیگر تجارت کنند. لذا تقاضای مبادلاتی دلار باعث شده‌است که آمریکا بدون انجام فعالیت مفید اقتصادی، پول منتشر و کالا وارد نماید. در واقع آمریکایی‌ها با چاپ پول بدون پشتوانه، کالا و خدمات تولیدی در مابقی کشورها را به تاراج می‌برند؛ بی‌آنکه به خود زحمت جنگ یا حتی منازعات سیاسی را بدهند.

یکجانبه تعهد کشورش را زیر پا می‌گذارد و اعلام می‌کند از این پس رابط‌های میان ارزش دلار و طلا برقرار نخواهد بود. از این واقعه با نام شوک نیکسون یاد می‌شود. نیکسون، برابری هر اونس طلا با ۳۵ دلار را ملغی اعلام کرد تا ایالات متحده بتواند بدون نگرانی از میزان ذخایر طلای خود، دلار جدید در جهان منتشر کند و ارزش دارایی‌های دلاری کشورها را کاهش دهد و تا برابری هر اونس طلا با حدود ۱۳۰۰ دلار در حال حاضر برساند.

با اینکه انتظار می‌رفت پس از شوک نیکسون، مبادلات دلاری بین کشورها کاهش یابد، اما بنیانی که حدود سی سال تجارت جهانی بر آن استوار شده بود، به این آسانی قابل تغییر نبود. از سوی دیگر، اکثر اقتصادهای بزرگ دنیا که میزان ذخایر دلاری قابل توجهی داشتند، برای جلوگیری از سقوط ارزش دارایی‌های خود، تمایلی به کنارزدن دلار از خود نشان نمی‌دادند. اینگونه بود که با وجود این اتفاق بزرگ، استفاده روزافزون از دلار همچنان ادامه یافت.

امروزه دلار ۶۱ درصد ذخایر ارزی جهان را تشکیل می‌دهد، در ۸۵ درصد معاملات بین‌کشوره‌ها استفاده می‌شود و سهمی ۴۵ درصدی در بدهی‌های خارجی کشورها دارد. این موارد علاوه بر اینکه منافع عظیم ناشی از درآمدهای دلاری سایر کشورها را به اقتصاد آمریکا ارزانی داشته است، امکان استفاده ابزاری از دلار را برای این کشور فراهم نموده‌است. به بیان دقیق‌تر می‌توان گفت منافع حاصل از بین‌المللی شدن دلار برای ایالات متحده به دو دسته قابل تقسیم است: (۱) منافع سیاسی و (۲) منافع اقتصادی.

منافع سیاسی همان است که به دولت آمریکا این امکان را می‌دهد که سایر کشورهای متخاصم خود را تحریم اقتصادی کند. از آنجا که انجام معاملات به واحد پول هر کشوری مستلزم نظارت بانک مرکزی آن کشور است تا خلق پول، خارج از کنترل بانک مرکزی آن کشور صورت نگیرد، لذا مبادلات تجاری به دلار در سراسر جهان تحت کنترل و نظارت بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) صورت می‌گیرد. دلار و بانک مرکزی آمریکا تحت حاکمیت قوانین داخلی این کشور است؛ اما در سطح بین‌المللی، فعالیت می‌کند. به‌طوری که تمام مبادلات دلاری در نظام پرداختی که تحت نظارت فدرال رزرو است، تسویه می‌شود. نظام پرداخت پول یک شبکه عملیاتی است که تحت قوانین، مقررات و استانداردهای بانکی قرار دارد و ارتباط حساب‌های بانکی را برقرار می‌سازد.

نظام پرداخت، زیرساختی - متشکل از نهادها، ابزارها، قوانین، رویه‌ها، استانداردها و ابزارهای فنی

در شرایطی که اقتصاد کشور در مسیر رشد و توسعه قرار گرفته و هر ساله به حجم مبادلات و تجارت خارجی کشور افزوده می‌شود، اعمال تحریم‌های گوناگون بین‌المللی از سوی برخی قدرت‌های جهانی با هدف افزایش فشار به جمهوری اسلامی ایران موجب ایجاد محدودیت‌های جدی در روابط بازرگانی خارجی کشور شده‌است. با توجه به اینکه شبکه بانکی بین‌المللی، مجرای اصلی و گلوگاه گریزناپذیر گردش مالی بین کشورها محسوب می‌گردد، لذا اعمال تحریم‌های اقتصادی با استفاده از ابزارهای بانکی به منظور کنترل و محدود نمودن مبادلات تجاری هر کشوری از سوی قدرت‌های بزرگ، می‌تواند کاملاً مؤثر و کارآمد باشد.

در این متن به بررسی چگونگی تشکیل این شبکه بین‌المللی پولی از سوی دولت آمریکا و بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌مردان این کشور از آن می‌پردازیم. در شماره‌های بعدی این نشریه نیز به بحث درباره‌ی نحوه‌ی مقابله با این سیستم مالی به منظور بی‌نیاز کردن کشور از استفاده از بانک مرکزی آمریکا برای نقل و انتقال پول خواهیم پرداخت.

پس از اتمام جنگ جهانی دوم، کشورهای آسیب‌دیده از جنگ تصمیم گرفتند برای برقراری صلح پایدار، به تقویت همکاری اقتصادی و بازرگانی با یکدیگر بپردازند؛ زیرا معتقد بودند در صورتی که کشورها به یکدیگر وابستگی متقابل اقتصادی داشته‌باشند، احتمال بروز چنین جنگ‌هایی کاهش می‌یابد. در نتیجه، در سال ۱۹۴۴ میلادی، ۷۳۰ نفر از ۴۴ کشور جهان به دعوت روزولت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در شهر برتون وودز گرد هم آمدند تا نظام پولی جدید را برای تسهیل تجارت پایه‌ریزی کنند.

در کنفرانس برتون وودز، آمریکا پیشنهاد داد برای تبادلات مالی بین‌المللی از دلار استفاده شود؛ اما پیشنهاد دیگری نیز توسط جان مینارد کینز، اقتصاددان مشهور انگلیسی مطرح گردید؛ اما مخالفت آمریکا با این پیشنهاد باعث شد که دیگر کشورها نیز به آن اقبالی نداشته باشند. کینز پیشنهاد کرده‌بود یک واحد پول بین‌المللی بنام بن‌گر ایجاد شود که واحد پول هیچ کشوری نباشد و مبنای تجارت بین‌المللی قرار گیرد. هیئت نمایندگی آمریکا برای مرتفع شدن نگرانی‌های کینز در مورد انتشار دلار بدون پشتوانه، پذیرفت که طلا را پشتوانه دلار قرار دهد؛ به گونه‌ای که هر اونس طلا ۳۵ دلار باقی بماند. اما در سال‌هایی که تأمین مالی جنگ ویتنام مشکلات عدیده‌ای برای اقتصاد آمریکا ایجاد کرده‌بود، ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۱۹۷۱ به طور



کلاه گشاد FATF بعد از کلاه گشاد برجام

معاهدات بین‌المللی، میدان تیر دشمن است...

یکی از اصلی‌ترین ابزارهای استکبار برای اعمال سلطه در عصر حاضر، استانداردسازی و قاعده‌سازی در سطح بین‌المللی و اجبار کشورها برای رعایت کردن این قواعد و نظامات است.

کارکرد این قواعد به گونه‌ای است که با سلطه رابطه متقابل دارند؛ یعنی از یک سو توسط قدرت‌های سلطه‌جو تدوین می‌شوند و از سوی دیگر اجرا شدن این نظامات، عامل تقویت قدرت سلطه‌گر است. هرچه پایبندی کشورها به این قواعد و استانداردها بیشتر باشد، نظام سلطه قدرتمندتر و توان زورگویی‌اش بیشتر خواهد شد. یکی از اساسی‌ترین نظامات بین‌المللی که چنین رابطه متقابلی با قدرت‌های سلطه‌گر دارد، نظامات متعارف اقتصادی بالاخص نظامات مالی است.

نظام سلطه در دهه‌های گذشته موفق شده با ایجاد، توسعه و متعارف ساختن یک سری نظامات مالی در جهان، بر جریان تعاملات اقتصادی میان کشورها اشرف پیدا کند و با تکیه بر این اشرف، ابزارهای دیگر خود مانند تحریم و تهدید را برای ضربه‌زدن به اقتصاد کشورهای مخالف سلطه بکار گیرد. از کنفرانس سال ۱۹۴۴ برتن وودز، این روند آغاز شد و پیوسته و بنا به اقتضائات زمان، تغییراتی در نظامات مالی بین‌المللی ایجاد کردند. تاسیس نهادهایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، مسلط ساختن دلار به عنوان یک ارز بین‌المللی، ایجاد سامانه‌هایی مانند سوئیفت، تشکیل نهادهایی مانند FATF و اجبار کشورها به رعایت استانداردهای آن را باید در چارچوب همین سیاست دید.

امروز آمریکا از این اشرف و سلطه‌ای که بر شبکه مالی بین‌المللی دارد، به عنوان یک قدرت جایگزین قدرت نظامی یاد می‌کند و نام آن را قدرت اعمال فشار می‌گذارد که از طرفی مزایای قدرت سخت و نرم را دارد و همچنین معایب و هزینه‌ها و محدودیت‌های آنها را ندارد.

شرط اساسی موفقیت دشمن در بهره‌برداری از این امکانات و ابزارهایش در حوزه مالی بین‌المللی، حضور هرچه بیشتر ما در این شبکه مالی و محدود ساختن مبادلات و تعاملات مان به این شبکه و نظامات مرتبط با آن است. دو سال قبل، در گزارش یکی از مراکز وابسته به دستگاه نظامی آمریکا (گزارش مؤسسه رند برای دفتر بازبینی دفاع چهارگانه پنتاگون) در این باره تصریح شد که آمریکا دیگر امکان استفاده از قدرت نظامی خود علیه سه کشور ایران، چین و روسیه را ندارد، اما می‌تواند از سلطه خود بر شبکه مالی بین‌المللی علیه این کشورها بهره‌برداری کند و به آنها فشار بیاورد که رفتارشان را طبق میل آمریکا تغییر دهند. هر چه این سه کشور در این نظامات مالی بیشتر ادغام شوند، ضریب آسیب‌پذیری آنها در برابر حملات آمریکا افزایش خواهد یافت. لذا می‌بینیم که ما را برای ادغام در این نظامات هم تشویق می‌کنند و هم تهدید؛ هم حمایت می‌کنند و هم اجبار. هدف چیست؟ هدف همان افزایش ضریب آسیب‌پذیری ما و دقیق‌تر شدن حملات و ضرباتی است که می‌خواهند به اقتصاد ما وارد کنند.

شما هرچقدر بیشتر در عمق میدان تیر دشمن قرار گیرید، طبیعی است که احتمال اصابت تیر او به شما بیشتر و بیشتر خواهد شد. اما هرچه از این میدان فاصله بگیرید و مسیر دیگری را برای خود انتخاب کنید، توپخانه و تیربار دشمن را بی‌اثرتر خواهید کرد.

لذا یکی از اساسی‌ترین اقدامات ناظر به مقاوم‌سازی اقتصاد کشور در این جنگ اقتصادی، پرهیز جدی از ورود به میدان تیر دشمن یعنی پرهیز از ادغام در نظامات تحت سلطه دشمن است. باید برای مبادلات و تعاملات اقتصادی خود از نظامات جایگزین استفاده کرد؛ چه ساز و کارهایی که موجود است، و چه ساز و کارهایی که می‌توان با ظرفیت و علاقه موجود در کشورهای مخالف سلطه برای استقلال از این نظامات، ایجاد کرد. یکی از حوزه‌هایی که دیپلماسی اقتصادی ما باید به صورت

جدی در آن فعال شود، همین بی‌اثرسازی نظامات مالی تحت سلطه دشمن است. این موضوع، از تکالیف دستگاه‌ها در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی برنامه ششم است که ابلاغ شده و باید پیگیری شود. بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند ۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ناظر به این مسئله است.

یک مغالطه ناشیانه‌ای که درباره استانداردهای FATF می‌شود این است که چطور ۱۹۰ کشور دنیا این استانداردها را اجرا کرده‌اند و مشکلی برایشان پیش نیامده است، اما مخالفان FATF در ایران می‌گویند برای کشور ما مشکل ایجاد خواهد شد؟ پاسخ این است که مگر وزارت اطلاعات، وزارت دفاع، وزارت ارشاد، سازمان صدا و سیما، نهادهای نظامی و بیش از ۲۰۰ نهاد و فرد موثر دیگر در این ۱۹۰ کشور تحت تحریم آمریکا هستند که با اجرای استانداردهای FATF مجبور به تحریم دستگاه‌های امنیتی - اجتماعی خود در داخل کشورشان نیز بشوند؟

مسئله این است که قبل از اجرای FATF نهادهای مالی به بهانه اینکه نمی‌دانند مصرف‌کننده نهایی در ایران SDN لیستی‌ها هستند یا خیر، از همکاری خودداری می‌کنند. پس از اجرای FATF، شما باید بین تحریم داخلی SDN لیستی‌ها و همکاری نهادهای مالی خارجی یکی را انتخاب کنید. آنچه مشکل روابط مالی ما را حل خواهد کرد، فاصله‌گرفتن از نظام مالی تحت سلطه آمریکا و استفاده از نظامات جایگزین مبادلاتی برای بی‌اثر کردن تحریم‌هاست.

کسی مخالف مبارزه با پولشویی و جلوگیری از تامین مالی تروریسم نیست و از قضا یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید انجام بگیرد همین است. بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تصریح دارد که «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...» باید انجام شود. اجرای این بند به ما کمک خواهد کرد نه تنها جلوی تامین مالی تروریست‌های فعال در داخل کشور توسط دشمنان خود را بگیریم، بلکه رهگیری کمک‌های مالی مصوب کنگره آمریکا به ضدانقلاب داخلی که خود را در قالب تبلیغ فلان برند خارجی در نشریات ضدانقلاب نشان می‌دهد و یک پولشویی آشکار است نیز ممکن خواهد بود.

ما با آمریکا درگیر یک جنگ همه‌جانبه اقتصادی هستیم و این کشور با توجه به رویکرد جدید خود که تحریم مالی را یک «سلاح هدایت‌شونده» می‌داند، همه ابزارهای خود را برای دقیق‌تر شدن این سلاح هدایت‌شونده به میدان آورده‌است و FATF یکی از این ابزارهاست. آمریکا اجرای FATF را در ایران برای این نمی‌خواهد که مشکلات روابط مالی بین‌المللی ایران حل شود. برای این می‌خواهد که سلاح خودش دقیق‌تر کار کند. لوابچ چهارگانه دولت آقای روحانی، برای بالابردن دقت تسلیحات مالی آمریکاست. این گفته خوان زاراته، معاون مدیریت مبارزه با تروریسم و جرائم مالی در وزارت خزانه‌داری آمریکا بسیار قابل تأمل است که «برای قراردادن ایران در تنگنا و سخت‌تر کردن شرایط برای این کشور، به حضور کامل FATF نیاز است.»

* این متن، حاصل جمع‌آوری بخش‌هایی است از مصاحبه سید یاسر جبرائیلی، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد پژوهشکده حکمت که در تاریخ ۴ خردادماه ۱۳۹۷ با روزنامه فرهیختگان انجام شده‌است. کانال تلگرامی ایشان: @jebraily

«تحریم داخلی - تحریم خارجی»

دکتر حجت‌الله عبدالملکی

سه. تحریم برخی از بانک‌ها علیه تولیدکنندگان

بانک‌هایی که بخش زیادی از تسهیلات را به جای تولیدکنندگان واقعی، در اختیار واردکنندگان، دلان، سوداگران و اخلاص‌گران اقتصادی قرار می‌دهند. بدین ترتیب، بخش قابل توجهی از سرمایه کشور به جای تقویت تولید ملی، ایجاد اشتغال و تقویت صادرات و ارزآوری، باعث افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی، از بین رفتن فرصت‌های شغلی، تورم و کاهش کالا در بازار می‌گردد.

چهار: تحریم دولت علیه تولیدکنندگان

دولت یا دولت‌مردانی که خود از واردکنندگان اصلی کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی هستند! یا فعالیت‌های پیمانکاری را در عین وجود توان داخلی به شرکت‌های خارجی واگذار می‌نمایند! و یا با عدم پرداخت بدهی خود به بخش خصوصی منجر به ورشکستگی تولیدکنندگان یا پیمانکاران داخلی و تشدید بیکاری شده‌اند!

پنج: تحریم برخی مدیران علیه مردم

مدیرانی که به جهت فساد اقتصادی، سیاسی کاری و بی‌کفایتی باعث از بین رفتن ظرفیت‌های داخلی و وابستگی بیشتر کشور به بیگانگان شده‌اند!

شش: تحریم جریان‌های سیاسی علیه مردم

گاهی به خاطر منافع جناحی و گروهی، طرح‌های گروه مخالف را ضایع می‌کنند و خسارت‌های سنگینی به تولید، اشتغال و معیشت مردم وارد می‌نمایند! یکی از مهم‌ترین تحریم‌های جریان‌های سیاسی، فتنه سال ۸۸ است که علاوه بر تشدید تحریم‌های آمریکا، با هدف شلوغ کردن خیابان‌ها و پشتیبانی از فتنه‌گران سبز، باعث کاهش امنیت سرمایه‌گذاری در کشور و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری، رکود اقتصادی، کمبود کالا، تشدید بیکاری و تشدید تورم در سال‌های پس از آن گردید.

هفت: تحریم والدین علیه فرزندان

تعریف تحریم این است: ندادن حق! یکی از حقوق فرزندان بر عهده والدین حق تربیت است و یکی از اقسام تربیت، تربیت اقتصادی است. از جمله علل اصلی نرخ بالای بیکاری در جوانان ایرانی، فقدان روحیه کارآفرینی در این گروه است. والدین نقش مهمی در ایجاد این روحیه برای فرزندان خود دارند. تربیت صحیح اقتصادی بدون شک باعث کاهش قابل توجه نرخ بیکاری در میان مدت و بلندمدت می‌شود.

هشت: تحریم مترفین

گروهی اندک که در نتیجه فسادستیز نبودن مسئولین دولتی، با مسلط شدن بر منابع کشور (نفت و گاز، معادن، منابع بانکی و ارزی و...) و در دست گرفتن شریان‌های حیاتی کشور (بازرگانی خارجی، صادرات و واردات، مبادلات ارزی، مبادلات پولی و...) سودجویانه زندگی توده‌های مردم را به مخاطره می‌اندازند!

و البته همه اینها تنها مثال‌هایی از تحریم‌های داخلی بودند! و البته خطای محاسباتی آمریکا آنجاست که خیال می‌کند شدت این تحریم به قدری است که می‌تواند باعث فروپاشی نظام شود، اما باید پذیرفت که در شرایط وجود این دسته از تحریم‌ها، زندگی و معیشت توده مردم دچار مشکلات جدی است.

و همین‌جا تعریفی جدید از اقتصاد مقاومتی بیان می‌کنیم: اقتصاد مقاومتی یعنی مذاکره کنیم برای رفع تحریم‌های داخلی! و با رفع تحریم‌های داخلی - که همه آن در اختیار مردم و مسئولین ایرانی است - تحریم‌های خارجی هم به طور خودکار برداشته خواهد شد، زیرا با اثبات ناکارآمدی آنها در ایجاد اختلال اقتصادی در ایران، غربی‌ها به هزینه‌های بی‌فایده برای تداوم تحریم‌ها تن نخواهند داد!

همه مشکلات ما ناشی از تحریم‌هاست، اما کدام تحریم‌ها؟ داستان واقعی تحریم‌ها برای مردم درست گفته نشده‌است. ایران گرفتار دو نوع تحریم است: تحریم‌های خارجی و تحریم‌های داخلی. تحریم‌های خارجی تنها ۲۰ درصد از کل تحریم‌ها را شامل می‌شود که به هیچ وجه قدرت متوقف کردن یا فلج کردن اقتصاد ایران را ندارد!

از نظر طراحان تحریم‌های غربی، آنچه قرار بوده و هست که اقتصاد ایران را فلج کند، تحریم‌های داخلی است! البته تحریم‌های خارجی به عنوان تیر خلاص و تمام‌کننده در نظر گرفته شده بودند. هدف اصلی آمریکا و غربی‌ها از تحریم‌های پس از سال ۱۳۸۹ نابودی نظام جمهوری اسلامی از طریق اعمال فشار معیشتی بر مردم به عنوان موتور محرکه و پشتوانه انقلاب و جمهوری اسلامی بوده‌است. اما کارشناسان اقتصادی غربی تاکید کرده‌اند که ظرفیت‌های عظیم اقتصاد ایران و توانمندی‌های مردم این کشور، مانع از بروز چالش جدی برای ایران و در نتیجه تحریم‌های غربی خواهد شد!

لکن علم سیاستمداران غربی به تحریم‌های داخلی منجر به اتخاذ سیاست تحریم از سوی آنها شد! در واقع سیاستمداران غربی امیدوارند تحریم‌های ۲۰ درصدی خارجی ضمن ترکیب با تحریم‌های ۸۰ درصدی داخلی، مردم را دچار بحران معیشتی کند و از آن مسیر منجر به آشوب، شورش و براندازی شود.

اهداف عملیاتی مورد انتظار غرب از تحریم‌های خارجی عبارت بوده‌اند از: الف. بیکاری شدید، ب. تورم شدید، ج. قحطی. قرار است وقوع همزمان این سه پدیده باعث به ستوه آمدن مردم ایران شود! اما این سه پدیده بیش از آنکه تحت تاثیر تحریم‌های غربی باشد، چندین برابر بیشتر متأثر از تحریم‌های داخلی است!

مثال‌هایی از تحریم‌های داخلی:

یک. تحریم برخی از تولیدکنندگان علیه مردم

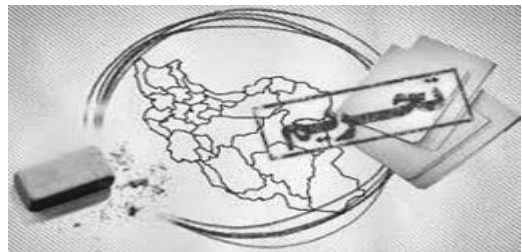
الف. قیمت‌گذاری ناعادلانه: برخی از تولیدکنندگان در شرایط تحریم، چند برابر افزایش هزینه‌های خود، قیمت محصولاتشان را افزایش می‌دهند. ب. احتکار: برخی نیز برای کسب سود بیشتر محصولات خود را احتکار و گاهی خط تولید خود را خاموش می‌کنند.

ج. تولید با کیفیت پایین: گروهی از تولیدکنندگان نیز با وجود توان ارتقاء کیفیت، سهل‌انگاری می‌نمایند.

د. مصرف تسهیلات تولید در امور دیگر: معدودی از تولیدکنندگان نیز تسهیلات دریافتی را خرج کارهای دیگر بجز تولید می‌کنند. این سه پدیده باعث تشدید تورم، تشدید بیکاری و تشدید کمبود کالا می‌شود. البته عمده تولیدکنندگان این‌گونه نیستند؛ اما همان قشر محدود نیز آسیب بسیار مخربی بر اقتصاد و معیشت مردم وارد می‌کنند.

دو. تحریم برخی از مردم علیه تولیدکنندگان

منظور آن دسته از مصرف‌کنندگانی هستند که کالاهای خارجی را به کالاهای داخلی با کیفیت و قیمت مشابه یا حتی بهتر ترجیح می‌دهند! این مسأله می‌تواند ناشی از سه پدیده برندگرایی، غفلت و تحت تاثیر تبلیغات قرار گرفتن باشد! این خسارت - که ناشی از نخریدن کالاهای به صرفه ایرانی است و نه کالاهای بی‌کیفیت یا گران‌تر از مشابه خارجی - منجر به از بین رفتن حدود ۱.۵ میلیون فرصت شغلی در کشور شده‌است.



کار دانشجویی

تدریس: اگر دانشجویی در یک زمینه تخصصی داشته باشد، می‌تواند اقدام به تدریس کند؛ به طور عمومی یا خصوصی. تدریس الزاما به معنی تدریس یک درس که نمره خوبی از آن گرفته باشد یا در کنکور یک درس را درصد بالا زده باشد نیست. تدریس می‌تواند در زمینه‌های فنی و مهندسی هم باشد. به عنوان مثال تدریس یک زبان برنامه‌نویسی مانند روبی. البته تدریس می‌تواند از طریق انجمن‌ها یا کالج دانشکده رسمی شود و حتی دارای مدرک فنی باشد.

بورس: برای کار در بورس، نیاز به سرمایه زیادی نیست. حتی می‌توان با سرمایه‌های بسیار پایین در حد ۱۰۰-۲۰۰ هزار تومان هم اقدام به شروع به کار در بورس کرد. در بورس هم سود وجود دارد و هم ضرر. البته مهم‌ترین سودی که می‌توان از کار در بورس برد شاید ایجاد تفکر اقتصادی و توان تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی در فرد باشد. میزان سودها هم متغیر است. گاهی حتی پیش آمده که یک سهم از یک سهام خاص قیمتش در حد ۱۰۰ برابر گران شود و همچنین برعکس آن نیز ممکن است اتفاق بیفتد. برای کار در بورس باید آموزش‌هایی دیده شود که این آموزش‌ها در واقع به‌نوعی کمک به پیش‌بینی سود یا ضرر یک سهام است.

بازاریابی: شرکت‌ها، کارخانه‌ها و هولدینگ‌های بسیاری برای فروش کالاها و ارائه خدمات خود از بازاریابان استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه درآمد این شغل خیلی زیاد نیست، دانشجویان به راحتی می‌توانند بعنوان یک بازاریاب شروع به کار کنند. معمولا بخش زیادی از قسمت استخدامی نیازمندی‌های یک روزنامه دارای آگهی‌های مرتبط با بازاریابی است.

بازاریابی اینترنتی (اینترنت مارکتینگ): این نوع بازاریابی متفاوت از بازاریابی معمولی برای شرکت‌ها یا نتورک مارکتینگ است. شیوه کار این نوع بازاریابی به این صورت است که شما از طریق اینترنت محصولاتی را می‌فروشید. این کار می‌تواند به شکل‌های مختلفی صورت گیرد. مثلا از طریق ایجاد یک سایت و اقدام به فروش یا از طریق شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام. البته در این شغل باید توجه داشت که محصولاتی که شخص به فروش می‌رساند، باید قانونی باشند تا کار هم جلوه قانونی بگیرد. برای مثال اگر پدر دانشجویی یک پارچه‌فروش است، این دانشجو می‌تواند با ایجاد یک گروه تلگرام، محصولات پدر خود را از این طریق به فروش برساند و پورسانت خود را دریافت کند. البته این کار برخلاف نتورک مارکتینگ فاقد شبکه هرمی است. ولی در زمینه‌های خاص و محدودی حتی می‌توان آن را به شکل شبکه‌ای گسترش داد.

هر کدام از این چند مورد، مزایا و معایب خود را دارد و این موضوعی طبیعی است. اما کار عار نیست و این مهم‌ترین مسئله‌ای است که این نوشته به آن تأکید دارد. در شماره‌های آتی، به بررسی تخصصی‌تر بعضی از این موارد می‌پردازیم.

تأمین مخارج زندگی شخصی در دوران دانشجویی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشجویان است. زندگی دانشجویی برای خیلی از دانشجویان از طریق کمک‌هزینه‌هایی که به آنها صورت می‌پذیرد، گذرانده می‌شود. این کمک‌هزینه‌ها می‌تواند از سوی خانواده‌هایشان یا وام‌های دانشجویی انجام گیرد. در این دوران که بیشترین فشار اقتصادی بر جامعه ایران حاکم است، حتی کمک‌هزینه‌هایی که به دانشجویان داده می‌شود هم پاسخگوی کامل نیازهای زندگی دانشجویی نیست. در این شرایط، دانشجویان سراغ کارهای دانشجویی می‌روند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کار دانشجویی، پاره‌وقت بودن آن است. به همین دلیل، عموم کارهای دانشجویی درآمد چندانی ندارند که البته این با موضوعیت کار دانشجویی نیز تناقضی ندارد. کار دانشجویی علاوه بر مزیت‌های مالی که می‌تواند داشته باشد، زمینه‌ساز امور مهم‌تری همچون بهره‌مند شدن از فکر اقتصادی، مدیریت سرمایه، افزایش مهارت‌ها و ایجاد رزومه و سابقه کار می‌گردد. پس الزاما هر کار دانشجویی حتما و صرفا درآمدزا نیست!

حال سوال این است که کار دانشجویی را از کجا می‌توان پیدا کرد و چگونه؟! خوب این سوال پاسخ مشخصی ندارد. بخش نیازمندی‌های روزنامه، شبکه‌های اجتماعی، دوستان و آشنایان و برخی کارهای دانشجویی که در دانشگاه ارائه می‌شود، مانند کار در سلف یا سایت دانشگاه و ... در ادامه توضیحاتی درباره برخی از کارهای دانشجویی ارائه شده است.

کار مرتبط با رشته خود دانشجو (کارآموزی): بسیاری از شرکت‌ها به خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان، پیشنهادهای کارآموزی به دانشجویان ارائه می‌دهند. البته باید توجه داشت که عموم کارآموزی‌ها درآمدی برای دانشجویان ندارند. ضمنا دانشجو باید برای این شرکت‌ها مفید نیز باشد. در واقع کارآموزی پشت میز نشینی محض یا حتی صرفا یادگیری کار مرتبط با رشته نیست و دانشجو باید برخی از امور شرکت که به او ابلاغ می‌شود را نیز انجام دهد.

کار در دانشگاه: در تمام واحدهای پژوهشی، فرهنگی و خدماتی دانشگاه، نیاز به نیروی کار وجود دارد که از دانشجویان در این زمینه استفاده می‌شود. حقوق این کار ساعتی و یا به صورت اتمام یک پروژه است.

تایپ و ترجمه: یک کار دانشجویی بسیار متداول با درآمد مناسب است که درخواست‌های نسبتا زیادی هم دارد. معمولا از طریق شبکه‌های اجتماعی راحت‌تر می‌توان در این دست کارها مشغول به کار شد.

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

استاد و آئین نامه‌ها

در سیات سنند

اخبار و اعلان‌های خانه نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه ثبت آرشيو نشریه

دستور العمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

آرشيو بروز نشریه

شگاه فردوس

وی دان

ات دانشج

مش

هد

آرشيو کامل نشریات دانشجویی

نحوه درخواست مجوز نشریه

هد

مش

شگاه فردوس

وی دان

ات دانشج

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

آرشيو بروز نشریه